



دلبستگی، همسایگی و مشارکت های اجتماعی در محله ها

نمونه های موردی : محله قدیمی علیقلی آقا و محله جدید کوی ولیعصر شهر اصفهان

۱، ابراهیم سلطانی تیرانی ۲. صفورا پاکدامن تهرانی

چکیده:

دلبستگی به محله، یک پیوند عاطفی و نوعی احساس تعلق است که افراد نسبت به محله مسکونی خود دارند. همسایگی نوعی احساس عضویت در یک گروه می باشد که این گروه یا اجتماع حداقل دارای ۲ عضو می باشد. در هر محله الگوهای فعالیت، جاری می باشند که در این میان فعالیت های هویت بخش به محله اهمیت ویژه ای دارند. مشارکت ها و تعاملات اجتماعی افراد در محله ها باعث هویت دهی به محله می گردند. بین دلبستگی، همسایگی و مشارکت های اجتماعی رابطه ای نهفته است که با کیفیت محله از جنبه های گوناگون در ارتباط می باشد و ایجاد فرصت های مناسب جهت رشد و توسعه بهینه محله ها را باعث می گردد. این تحقیق بر آن است تا رابطه میان میزان دلبستگی، همسایگی و مشارکت های اجتماعی ساکنین رادر محله های قدیمی و با سابقه و همچنین محله های امروزی و جدیدالاحداث، از طریق سنجش متغیرهای تأثیر گذار، تبیین، و با یکدیگر مقایسه نماید. تحقیق از نوع پیمایشی است که در آن با استفاده از شیوه نمونه گیری، دو محله شاخص شهر اصفهان انتخاب شده که یکی از آنها قدیمی و دیگری نوساز و جدیدالاحداث می باشد. سپس با استفاده از ابزار پرسشنامه، افراد ساکن در محله های انتخابی مورد پیمایش قرار گرفته و محور اصلی پیمایش، سنجش میزان مشارکت آنها در امور مربوط به محله در حوزه هایی مثل شرکت در اجتماعات محلی، تمایل به سرمایه گذاری در محله، میزان شناخت همسایه ها و سایر ساکنین، تمایل به مشارکت در مدیریت محله، میزان کمک رسانی و انجام خدمات عام المنفعه و میزان تمایل به شرکت در فعالیت های گروهی ورزشی، فرهنگی، هنری و آموزشی بوده است. در نهایت میزان دلبستگی و هویت دهی افراد به محله اندازه گیری گردیده و با تحلیل نتایج، برخی از عوامل اصلی تأثیر گذار بر متغیرهای مذکور، شناسایی شده اند. در آخر با استناد به نتایج حاصله، پیشنهاداتی در راستای بهینه سازی برنامه ریزی و طراحی های شهری جدید، ارائه گردیده است.



کلید واژه ها :

محلّه ، همسایگی ، دلبستگی ، مشارکت اجتماعی

مقدمه :

هر محلّه با ویژگیهای خاص خود ، می تواند نقشی اساسی در چگونگی و کیفیت زندگی ساکنین آن، ایفا نماید. با توجه به کارکرد محلّه به عنوان مکانی جهت گردهمایی افراد با ویژگیهای قومی، نژادی، مذهبی، اقتصادی و اجتماعی متنوع و در نهایت ، تجمع این ویژگیها، هویتی خاص برای یک محلّه حاصل شده که در بعضی مواقع به واسطه همین هویت خاص، نام آن محلّه ، شهرت و عامل شناسایی افراد ساکن نیز می گردد . این هویت خاص سبب تمایز یک محل با دیگر محلات شهری شده، یک شیوه زندگی منحصر، در میان افراد محلّه ایجاد نموده و اهداف و علایق مشترک در میان ساکنان را بوجود می آورد. در چند دهه گذشته با ایجاد تغییرات اساسی در شیوه زندگی مردم، اساس محلّه ها نیز دستخوش تغییر گردیده اند ، همچنین در این میان ، شاهد به وجود آمدن محلّه هایی هستیم که به غیر از تفاوت در نام هیچگونه وجه تمایز دیگری با یکدیگر ندارند . تصور و فرض ما بر این است که در محلّه های قدیمی تر و دارای بافت های سنتی ، روابط اجتماعی و مشارکت بیشتری در سطح محلّه وجود دارد، مردم در جریان زندگی همدیگر بوده و از وضع معیشتی، مشکلات و ... یکدیگر آگاهی بیشتری دارند . این عوامل و عواملی از این قبیل، دلبستگی و احساس تعلق بیشتر افراد ساکن در این محلّه ها را باعث گردیده و کیفیت همسایگی بالاتری ایجاد نموده است . اما در محلّه های جدید و نو شکل گرفته امروزی ، ارزشهایی همچون همسایگی، دلبستگی به محل، آرامش، روابط اجتماعی و ... کم رنگ تر و گاه ی اوقات از بین رفته است . اکثر مردم ، به واحد مسکونی خود نگاهی خوابگاهی پیدا کرده و محلّه را فضایی میانی جهت عبور سریع از آن و رسیدن به خانه خود ، می دانند . با اینکه فواصل واحد های مسکونی چه در سطح و چه در ارتفاع ، فشرده تر و نزدیک به هم گردیده ولی میزان شناخت همسایه ها از یکدیگر کاهش یافته ، تا جایی که حتی در برخی موارد ، ساکنان ۲ واحد مسکونی مجاور هم ، نام و شهرت یکدیگر را نمی دانند . از نظر ما ، این فاصله و تفاوت ایجاد شده در هویت و ساختار محلّه های قدیمی و جدید باعث از بین رفتن هویت کالبدی و ساختار اجتماعی شهرها شده و کیفیت و کمیت ارتباطات و تعاملات میان مردم را تحت تأثیر قرار داده است